

افزایش تنش‌ها در جنوب سوریه نشانه‌ای از تشدید حملات رژیم

یهود یعاری

۱۸ می ۲۰۲۰

استقرار ارتش سوریه در درعا در این اواخر، و تلاش‌های نه‌چندان جدی روسیه برای متوقف کردن آن، ممکن است به‌زودی منجر به بمباران دوباره مناطق غیرنظامی به وسیله این رژیم و پیچیدگی‌های بی‌شمار برای اسرائیل و اردن شود.

ظرف چند روز گذشته، تنش‌ها در درعا، استان جنوب غربی سوریه که با اسرائیل و اردن هم‌مرز است، به حد خطرناکی تشدید شده است. به نظر می‌رسد با رسیدن نیروهای کمکی قابل توجه نظامی، ارتش سوریه و شبه‌نظامیان شیعه مورد حمایت ایران با استفاده از [آتش‌سوزی در استان ادلب در شمال](#)، این آمادگی را یافته‌اند که با گروه‌های سنی عرب در جنوب وارد جنگ شوند. یگان‌های تقویتی که عمدتاً از لشکر چهارم ارتش سوریه اعزام شده‌اند، شامل یگان‌هایی از سپاه زنده‌ای است که ماهر اسد، برادر بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه، آن را فرماندهی می‌کند و نیروهای مخصوص از لشکر پانزدهم. آنها به نیروهای مستقر در منطقه که معمولاً مسئولیت آن قسمت را برعهده دارند، یعنی تیپ‌های ۵۲ و ۳۸ از لشکر نهم، ملحق می‌شوند.

اعزام این نیروها، همراه با رشته ترورهای هدفمند در این منطقه و افزایش تلاش‌های رژیم برای حمله به شهرهای اطراف، حاکی از آن است که احتمالاً به‌زودی شاهد یک انفجار عظیم و خشونت‌بار در این منطقه خواهیم بود. درگیری‌های اطراف درعا به راحتی می‌تواند به استان‌های همسایه گسترش یابد؛ القنيطرة در سمت شمال غربی (در امتداد ارتفاعات مرزی جولان) و السويداء در سمت شرق (محل زندگی گروه بزرگی از دروزی‌ها).

برقراری ناموفق صلح آبیستن حوادث است

بحران فعلی در منطقه، ناشی از ناتوانی رژیم اسد برای اعمال کنترل مجدد بر استان درعا است که آن را در جولای ۲۰۱۸ از چنگ جناح‌های شورشی بی‌شمار خارج ساخت. هنگامی که ایالات متحده، اسرائیل و اردن تصمیم گرفتند که دیگر از شورشیان محلی که قبلاً به آنها کمک کرده بودند، حمایت نکنند، روسیه با امضای یک توافق «فیصله وضعیت» با شماری از این گروه‌ها کمک کرد تا ارتش سوریه به مناطقی که در اوایل جنگ از دست داده بود، بازگردد. بر مبنای این توافق‌ها، از شورشیان خواسته می‌شد که در ازای مصونیت از دستگیری و معافیت از خدمت سربازی اجباری، سلاح‌های سنگین خود را تسلیم کنند (هرچند از خیلی از آنها دعوت شده بود که به عضویت گروه‌های شبه‌نظامی هوادار اسد، هوادار ایران یا در بیشتر موارد هوادار روسیه درآیند). کسانی که ترجیح می‌دادند خانه‌های خود را ترک کنند، به ادلب در مرز ترکیه، که قلمروی بسته است، منتقل شدند.

با این حال، به رغم این تلاش‌ها، بسیاری از مواضع همچنان در دست گروه‌های شورشی سابق است که سلسله مراتب فرماندهی پیشین خود را حفظ کرده‌اند و صفوف خود را گسترش داده‌اند. این گروه‌ها در مجموع هزاران جنگجو در اختیار دارند. این وضعیت در بخش‌های داخلی شهر درعا، شهرهای خاص مشرف به شرق (به عنوان مثال، بصرالحریر)، و مناطق مختلف سمت غرب (مثل طفس، نوب، الیادوده، سحم الجولان، و بخش‌هایی از نواحی اطراف آبگیر رودخانه یرموک که قبلاً توسط نیروهای وابسته به داعش کنترل می‌شد)، حاکم است.

تاکنون، میانجی‌گری روسیه مانع از حمله همه‌جانبه رژیم سوریه شده و شورشیان را نیز از دست زدن به شورشی جدید بازداشته است. به عنوان مثال، به دنبال درگیری‌های مسلحانه، فرستادگان مسکو با شورای مخالفان موسوم به «زادگاه انقلاب» در شهر درعا در تماس بوده‌اند؛ آنها همچنین میان رهبران محلی دروزی‌ها و مخالفان سنی عرب آنها در منطقه حوران، که درگیر جنگ‌های قبیله‌ای همراه با ده‌ها فقره آدم‌ربایی هستند، نقش میانجی ایفا می‌کنند.

با این حال، زدوخوردهای خشونت‌بار تقریباً هر روز رخ می‌دهد و تظاهرات مردمی علیه رژیم در بسیاری از مناطق به یک روال شبانه بدل شده، چرا که مردم خواهان خروج شبه‌نظامیان شیعه هستند و به ارتش نیز نسبت به شروع حمله هشدار می‌دهند. هفته گذشته، اعضای «کمیته‌های مرکزی» از سراسر استان، یک جلسه اضطراری تشکیل دادند تا از روسیه بخواهند که به تعهدات خویش در توافق «فیصله وضعیت» پایبند باشد و از حمله اسد جلوگیری کند. اگرچه مسکو، واحدهای در حال پیشروی سوریه را مجبور به عقب‌نشینی از برخی مناطق محل کرده، اما نیروهای اسد که در حومه بسیاری از شهرهای دیگر مستقرند، آماده حمله اند و آنقدر به این شهرها نزدیک هستند که اگر بخواهند، می‌توانند آنها را به توپ ببندند (چنانکه در اوایل ماه مارس در صنمین اتفاق افتاد).

در همین حال، نیروهای ارتش اغلب در جاده‌ها مورد حمله قرار می‌گیرند. در پنجم ماه می، ۹ افسر پلیس رژیم به وسیله یک تک‌تیرانداز در داخل مقر خود در روستای المزیریب کشته شدند. مظنون، رهبر یک گروه شورشی بود که با روس‌ها توافقنامه امضا کرده بود، اما پس از آنکه سربازان سوری، پسر و دامادش را به قتل رساندند، این موضوع او را به انتقام‌جویی واداشت. در پی این تیراندازی، برخی از ساکنان این شهر، تحت فشار روسیه، به خانه این مرد حمله کردند و آن را به آتش کشیدند، اما او را تحویل مقامات رژیم ندادند.

طبق گزارش‌های فعالان سیاسی محلی، تنها در ماه آوریل، بیست‌وپنج مورد اقدام به ترور علیه پرسنل ارتش سوریه صورت گرفته که منجر به کشته شدن چهارده نفر از آنها شده است. این حملات همچنین عوامل سپاه پنجم را نیز هدف قرار داده است؛ نیروبی نظامی که روسیه با استخدام شورشیان سابق تشکیل داده است. بر اساس اطلاعات «جسور»، سازمان مخالفان سوریه مستقر در ترکیه، بین ژوئن ۲۰۱۸ و آوریل ۲۰۲۰، حداقل ۳۸۴ اقدام به ترور به وسیله گروه‌های مختلف در این استان انجام شده که ۹۲ درصد آنها موفقیت‌آمیز بوده است. حدود ۱۳۵ مورد از این ترورها، علیه شورشیانی بوده که به رژیم پیوسته‌اند در حالی که هدف ۲۰۵ مورد ترور، افراد شاخص محلی [از شورشیان سابق] بوده است، که آژانس‌های امنیتی رژیم اسد آنها را «غیرقابل اطمینان» می‌دانستند. در مورد اخیر، ظاهراً عواملی از اطلاعات نیروی هوایی و سایر آژانس‌ها، درگیر حذف سیستماتیک شورشیان نامدار سابق بوده‌اند و قربانیان موردنظر آنها اغلب هنگام متوقف شدن در یکی از ایستگاه‌های بازرسی بی‌شمار ارتش، مورد حمله واقع شده‌اند. بسیاری از ساکنان جنوب، دیگر از ترس چنین حملاتی از روستاهای خود بیرون نمی‌روند. علاوه بر افزایش این خشونت‌های محلی، خشونت باعث کاهش شدید تجارت شده است و افزایش نرخ بالای بیکاری در درعا را تا میزان ۵۰ تا ۶۰ درصد در پی آورده است.

درعا خواهان خودمختاری اعطاشده به دروزی‌ها است

به نظر می‌رسد که اکثر اهالی درعا، خواهان منازعه بزرگ دیگری نیستند. آنها می‌دانند که از نظر نظامی در موقعیت ضعیفی قرار دارند و به گروه‌های مسلح کوچکی تقسیم شده‌اند که نه تجهیزات درستی دارند و نه امید کمی از جانب نیروهای خارجی. این را می‌توان از ویدئوی اخیر ادهم الکراد، فرمانده شورشی مشهور سابق، که در تاریخ ۱۳ می منتشر شده برداشت کرد. در این ویدئو، او از ارتش خواست که از حوالی درعا عقب‌نشینی کند و گفت: «اگر جنگی بر ما تحمیل شود خواهیم جنگید، هرچند خواهان آن نیستیم.» به گزارش سایت خبری المُنَدَن، وی تأکید کرد که خواسته مردم «توافقی است که در آن جنوبی‌ها سرکوب نشوند و عزت آنها حفظ شود». در مقابل، فرماندهان نیروی زمینی اسد نیز خواستار خلع سلاح جناح‌های محلی هستند و از آنها خواستار تضمین شده‌اند تا نیروهای رژیم بتوانند بدون مانع وارد همه محله‌های آنها شوند.

با این‌همه، درعا منطقه‌ای است که شورش‌ها برای نخستین بار در سال ۲۰۱۱ از آنجا آغاز شد. بنابراین، در حالی که اکثر جمعیت سنی عرب امیدوارند مانع از درگیری‌های تمام‌عیار شوند، اما در این‌هم مصمم به نظر می‌رسند که نگذارند اوضاع قبلی بازگردد. ترجیح آنها این است که تا حدی از دولت مرکزی مستقل باشند - هدفی که ظاهراً تعامل آنها با دروزی‌ها آن را تقویت می‌کند. با وجود تنش‌های تاریخی میان آنها و دروزی‌ها در طی دهه گذشته، هزاران عرب سنی پناهنده از منطقه حوران، به السويداء، مرکز اصلی دروزی‌ها، و شهرهای کوچک‌تر پناه برده‌اند. آن‌جا بود که دریافتند چگونه دروزی‌ها موفق شده‌اند از کنترل رژیم اسد بر امور خود، حضور نظامی گسترده در مناطق کوهستانی و یا اجبار جوانان دروزی به خدمت در ارتش سوریه جلوگیری کنند. اگرچه رقابت‌ها و سیاست‌های ناهمسو بین رهبران دروزی‌ها اختلاف انداخته، ولی این رهبران توانسته‌اند نیروهای خود را از شورش دور نگه دارند و همزمان یگان‌های دفاع شخصی مؤثری ایجاد کنند تا بتواند هم در برابر تحریکات حورانی‌ها از جانب درعا و هم در برابر هجوم داعش از مناطق بیابانی اطراف دفاع کند (حملات گروه داعش در هفته‌های اخیر از سر گرفته شده است). آنها همچنین تلاش‌های ایران و حزب‌الله را برای ریشه دواندن در اطراف السويداء خنثی کردند.

رهبران محلی درعا می‌خواهند این الگو را در جماعت‌های خود تکرار کنند: آنها با رژیم بیعت می‌کنند، اما فقط تا وقتی که دخالت زیادی در امور آنها نداشته باشد. آنها نمی‌خواهند مقامات بیدادگر رژیم استان آنها را از دور اداره کنند. آنها نمی‌خواهند در جبهه‌های دوردست برای اسد بجنگند و از روسیه می‌خواهند که این امتیازات را تضمین کند. به عبارت دیگر، آنها می‌خواهند به سرنوشت استان القنیطره دچار نشوند، جایی که رژیم اراده خود را بر مقامات محلی تحمیل کرده و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران شبه‌نظامیان محلی را برای ایجاد مواضع تحریک‌آمیز در تپه‌های استراتژیک مشرف بر اسرائیل بسیج کرده است.

به نظر می‌رسد که اسد با این سناریو مخالف باشد. شاید روس‌ها بخواهند با اکراه او را به مذاکره تشویق کنند، اما به نظر می‌رسد اسد در این مرحله، طرفدار ایده تسخیر مجدد کل استان درعا است.

نتیجه‌گیری

ارتش سوریه وقتی به دنبال به انقیاد درآوردن غیرنظامیان است، به جای تکیه بر حملات پیاده‌نظام، به قدرت سلاح‌های سنگین خود تکیه می‌کند. اگر این تاکتیک‌ها بدون ملاحظه در درعا اعمال شود، شمار تلفات می‌تواند بسیار بالا باشد. پیامد چنین عملیاتی، فرستادن موج تازه‌ای از پناهندگان به هر طرف، از مرزهای اسرائیل و اردن گرفته تا مناطق اصلی دروزی‌ها در کوهستان‌ها، خواهد بود.

افزون بر این، این وضعیت راه را برای ایران هموار خواهد کرد تا گروه‌های نیابتی خود (مثل گردان ۳۱۳) را تقویت کند و جوان‌های بیکار را در برابر پرداخت حقوق، تشویق به پیوستن به این گروه‌ها کند. و این می‌تواند شامل بخشی از ۷۰۰۰ شورشی سابق باشد که قبلاً از نیروهای دفاعی اسرائیل کمک می‌گرفتند. این وضعیت درعین حال این فرصت را به سپاه پاسداران ایران و حزب‌الله می‌دهد که حضور خود را در حومه غربی درعا، که مشرف به بلندی‌های جولان و خط قرمز دیرینه اسرائیل است، افزایش دهند.

**ایهود یعاری، هموند بین‌المللی لافر در انستیتو واشنگتن و تحلیل‌گر پیشکسوت تلویزیون اسرائیل است.*